

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۷

هزار و سیصد و هشتاد و نه - نیمسال اول

مقالات

توصیف خواسته در قانون و رویه قضایی • اصول بنیادین حاکم بر کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی
آنستیرال • مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در قوانین کیفری • شناسایی در حقوق بین‌الملل: آثار حقوقی
شناسایی کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا • اصول حاکم بر تعارض ادله اثبات دعوا • جلوه‌های
حقوق بین‌الملل کیفری در خاورمیانه؛ از محاکمه صدام تا محاکمه عاملان ترور رفیق حریری

موضوع ویژه: بورس اوراق بهادار در حقوق ایران و کشورهای دیگر

مبانی و اصول تعهد به دادن اطلاعات در بورس • مطالعه تطبیقی ممنوعیت‌های دارندگان اطلاعات
نہانی در رابطه با معاملات اوراق بهادار • تحلیل جرم معامله متکی بر اطلاعات نہانی • مبارزه با
تقلب در بازارهای اوراق بهادار؛ نگاهی به نظم حقوقی بازار اوراق بهادار در ایالات متحد آمریکا •
بررسی آراء قضایی صادره در خصوص معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات نہانی • مسؤولیت
مدنی کارگزاران بورس و فرایند طرح دعاوی مرتبط در مراجع صالحه • مسؤولیت کارگزاران در
معاملات فضولی اوراق بهادار با تکیه بر رویه هیأت داوری • نقش صکوک در تأمین مالی پروژه‌ها و
تأملی بر قوانین و مقررات حاکم بر آن • داوری اختلافات در بازار اوراق بهادار • ماهیت حقوقی و
صلاحیت‌های هیأت داوری بازار اوراق بهادار • قواعد حاکم بر تشکیل شرکت‌های سهامی عام در پرتو
قانون بازار اوراق بهادار • آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر خدمات بورس
اوراق بهادار • ادغام فرامرزی بازارهای بورس سهام و اوراق بهادار: توهم یا واقعیت؟

نقد و معرفی

ملاحظات پیرامون «نظریه مشورتی کوزوو» • بررسی جرم تجاوز در کنفرانس بازنگوری اساسنامه
دیوان کیفری بین‌المللی • نقدی بر قانون جدید بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه
• علائم تجاری غیرسنتی • قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت: بازتابی نبرد حق و قدرت در جهان
نامتحد • ششمین دوره مسابقات شبیه‌سازی دیوان کیفری بین‌المللی





http://jlr.sdil.ac.ir/article_41084.html

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۷، نیمسال اول ۱۳۸۹
صفحات ۴۵۹ الی ۴۸۴، تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۳/۲۲

آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر خدمات بورس اوراق بهادار

دکتر محسن صادقی*

چکیده: موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گتس)، به عنوان یکی از مهمترین موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، حاوی یک سلسله اصول و تعهدات در حوزه خدمات بازار بورس اوراق بهادار^۱ است که بر کشورهای متقاضی الحاق به این سازمان تحمیل می‌شود و این کشورها مکلفند تا ساختار حقوقی و اقتصادی خود را در بخش خدمات بورس، با اصول گتس سازگار سازند. گتس علاوه بر اصول غیرقابل انعطاف، حاوی برخی اصول انعطاف‌پذیر است بدین معنا که گروه مذاکره‌ای کشورهای متقاضی می‌توانند در زمان مذاکرات الحاق، معافیتها و استثنائاتی را بر این اصول بار نمایند. ایران نیز به عنوان عضو ناظر سازمان جهانی تجارت مکلف است تا از هم‌اکنون مغایرت‌های حقوقی خود در بخش بازار بورس را شناسایی کند و تدابیر لازم را برای رفع این مغایرت‌ها اتخاذ نماید. با عنایت به اینکه در حقوق ایران، برخی مقررات بورس با اصول گتس مغایرت دارند و این موضوع حیاتی تاکنون در ادبیات حقوقی ما مورد نقد و بررسی تحلیلی و تطبیقی قرار نگرفته است از این رو در این مقاله می‌کوشیم تا پس از بیان اصول گتس در بخش بورس و بیان تجربه چند کشور تازه ملحق شده، اهم قوانین مغایر را بررسی کرده، راهکارهای روشنی را به قانون‌گذار جهت اصلاح قوانین و پیشنهادهای کاربردی را به گروه مذاکره‌ای ایران جهت تحصیل امتیاز به نفع کشور در زمان مذاکرات الحاق ارائه دهیم.

کلیدواژه‌ها: سازمان جهانی تجارت، گتس، خدمات بورس اوراق بهادار، حقوق ایران.

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و پژوهشگر گروه حقوق اقتصادی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. sadeghilaw@ut.ac.ir

1. securities services
گاه در ادبیات انگلیسی، برای خدمات بازار بورس از اصطلاح exchange services استفاده می‌شود اما اصطلاح رایج در متون راجع به سازمان جهانی تجارت و اصطلاح مورد استفاده در جدول تعهدات خاص کشورهای عضو این سازمان، securities است.

مقدمه

امروزه در نتیجه کاهش موانع تجاری ناشی از اتخاذ سیاست‌های تجارت آزاد^۲ و توسعه روزافزون تجارت، بر اهمیت خدمات تجاری نیز افزوده شده و سهم آن در تجارت بین‌الملل روز به روز در حال افزایش است به طوری که مطابق برآوردهای انجام شده، رشد سالانه بخش خدمات در بسیاری از کشورها، بیشتر از رشد تولید کالا بوده است.^۳ همچنین بر اساس پیش‌بینی آنکتاد^۴، فاصله میان ارزش تجارت کالا و خدمات، به نحو چشمگیری کاهش خواهد یافت به طوری که ارزش تجارت کالا در سطح جهان به حدود ۲۰ هزار میلیارد دلار و ارزش تجارت خدمات به حدود ۸۲۰ میلیارد دلار خواهد رسید.^۵

با افزایش سهم خدمات در تجارت بین‌الملل و پس از اعمال آزادسازی تجاری در بخش تجارت کالا، آزادسازی و اصلاح مقررات در زمینه خدمات به عنوان بخش مهمی از سیاست‌های تجاری کشورهای پیشرفته در دهه ۱۹۹۰، در دستور کار دور اروگوئه قرار گرفت و به انعقاد موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گتس)^۶ منتهی شد و امروزه این موافقت‌نامه، یکی از سه پایه اصلی سازمان (سازمان جهانی تجارت)^۷ را تشکیل می‌دهد.^۸ در تدوین موافقت‌نامه مزبور، نقش اساسی و محوری را کشورهای توسعه یافته عهده‌دار بودند. آنان معتقد بودند که ارائه خدمات با موانع و محدودیتهایی همراه است و برخی کشورهای عضو موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)^۹، میان بخش داخلی و بخش خارجی قائل به تبعیض هستند و یا در ارائه خدمات از سوی عرضه‌کنندگان سایر کشورها، محدودیتهای مقداری وضع می‌کنند با توجه به این ملاحظات، کشورهای توسعه یافته از طریق تنظیم گتس و با وضع اصول و قواعدی خاص، درصدد حذف یا کاهش این محدودیتها و موانع برآمدند.

در میان خدمات تجاری مشمول گتس^{۱۰}، خدمات «بورس اوراق بهادار»^{۱۱} به عنوان یکی از

2. free trade policies

3. Mina Mashayekhi, *Services and Development*, WTO Accession Workshop for Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran, 4-8 March 2006.

4. United Nation Conference on Trade and Development (UNCTAD)

5. *Id.*

6. General Agreement on Trade in Services (GATS)

7. World Trade Organization (WTO)

^۸ تجارت کالا، تجارت خدمات و حقوق مالکیت فکری، تشکیل‌دهنده سه محور اصلی موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت به شمار می‌آیند؛ برای دیدن توضیحات بیشتر؛ نک: اسفندیار امیدبخش، «از موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت تا سازمان جهانی تجارت»، مندرج در *مجموعه آموزشی سازمان جهانی تجارت*، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵، ص ۲۹.

9. General Agreement on Tariff & Trade (GATT)

^{۱۰} خدمات بازرگانی، ارتباطات، ساخت و مهندسی، توزیع، آموزش محیط زیست، خدمات مالی (از جمله خدمات بورس، خدمات بانکی و خدمات بیمه تجاری)، بهداشت، گردشگری و مسافرت، خدمات تفریحی ورزشی، حمل و نقل و سایر خدمات، خدمات تجاری مشمول گتس هستند. برگرفته از: مرکز تجارت

زیر بخشهای خدمات مالی^{۱۲} و به دلیل نقض غیرقابل انکاری که در رقابتی شدن بازار دارد، مورد توجه تهیه‌کنندگان این سند قرار گرفت تا اصول حاکم بر گتس، در مورد خدمات «بورس»^{۱۳} نیز اعمال می‌شود. اما اهم دلایلی که تهیه‌کنندگان گتس را بر آن داشت تا خدمات بورس را نیز در شمار خدمات مشمول این سند قرار دهند، عبارتند از: ۱- مطابق تحقیقات به عمل آمده، آزادسازی خدمات مالی بیش از آزادسازی سایر بخشهای خدماتی بر آزادسازی تجارت بین‌الملل اثر مثبت می‌گذارد و در این بین، خدمات بورس به عنوان یکی از زیربخشهای خدمات مالی، اثری غیرقابل انکار بر آزادسازی اقتصاد جهانی و کمک به تحقق هدف سازمان جهانی تجارت دارد؛^{۱۴} ۲- یکی از شاخصه‌های اصلی جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن بازارهای مالی است به گونه‌ای که از دو دهه قبل، واحدهای اقتصادی که در هر کشور در جستجوی سرمایه و تأمین مالی بودند، دیگر ناچار نبودند تا خود را به بازار داخلی محدود کنند. به علاوه، پیشرفت وسایل و ابزارهای ارتباطی، انتقال اطلاعات لحظه به لحظه درباره بهای اوراق بهادار و دیگر اطلاعات ضروری را به سرمایه‌گذاران، در اغلب نقاط جهان میسر کرده بود. بنابراین، بسیاری از سرمایه‌گذاران می‌توانستند به بازار جهانی نظارت داشته باشند و در عین حال، میزان تأثیر اطلاعات را بر بازدهی و خطرات بازارهای مالی آنها تحلیل کنند. این وضعیت تهیه‌کنندگان گتس

بین‌المللی آنکتاد و WTO، تجارت خدمات در سازمان جهانی تجارت، ترجمه مسعود کمالی اردکانی و میترا نصیری، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۳، بخش ضمیمه کتاب.

^{۱۱} بورس اوراق بهادار، ناظر به بازار متشکل و خودانتظامی است که در آن، اوراق بهادار توسط کارگزاران و با معامله‌گران طبق مقررات قانون بازار اوراق بهادار، مورد داد و ستد قرار می‌گیرد و به صورت شرکت سهامی عام تأسیس و اداره می‌شود.

12. financial services

در ضمیمه مربوط به خدمات مالی موافقت‌نامه گتس، خدمات مالی تعریف شده است. مطابق این ضمیمه، هر خدمات دارای ماهیت مالی که توسط عرضه‌کننده خدمات مالی یک عضو عرضه می‌گردد را خدمات مالی گویند.

^{۱۲} واژه «بورس» از نام خانوادگی شخصی به نام وارند بورس گرفته شده که در اوایل سده پانزدهم در شهر بروژ بلژیک زندگی می‌کرد و صرافان شهر در برابر خانه او گرد هم می‌آمدند و به داد و ستد کالا و پول می‌پرداختند. بعدها نام او به مکانهایی اطلاق شد که محل داد و ستد پول، کالا و اسناد مالی و تجاری بوده است. نخستین مرکز بورس اوراق بهادار جهان، سال ۱۴۶۰ میلادی در شهر انورس کشور بلژیک تأسیس شد. اما باید توجه داشت که اگر شرکتهای سهامی متولد نمی‌شدند، بورس هرگز قابلیت تولد نمی‌یافت، در این مورد باید منشأ نخستین شرکتهای سهامی را در روسیه تزاری که در سال ۱۵۵۳ و همچنین کمپانی هند شرقی انگلستان در سال ۱۶۰۲ میلادی شکل گرفتند، جستجو کنیم. (برگرفته از: پرویز سعیدی، «بورس و اهمیت ابزارهای مالی»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۹۲، سال نوزدهم، اردیبهشت ۱۳۸۷).

^{۱۴} برای مطالعه بیشتر در این زمینه، نک: محمد راستی، «تأثیر رشد خدمات مالی بر آزادسازی تجاری»، طرح تحقیقاتی انجام شده در گروه مطالعات و پژوهشهای سازمان جهانی تجارت، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۸.

را بر آن داشت تا مقررات ویژه راجع به آزادسازی خدمات را در زمینه خدمات بازار بورس اوراق بهادار نیز اعمال کنند چرا که در غیراین صورت، وجود موانع غیرمتعارف در این راه می‌توانست آزادسازی بسیاری از خدمات را بی‌اثر سازد؛ ۳- با گسترش تفکر جهانی شدن اقتصاد، بسیاری از شرکتهای داخلی و خارجی بیش از پیش به حضور در بازار بورس گرایش پیدا کردند چرا که اولاً: می‌توانستند تا زمان حضور نامشان در فهرست بازار بورس، از معافیت‌های مالیاتی بهره ببرند؛ ثانیاً: به جهت تمرکز سرمایه و تشکیل بازار هدفمند در بورس اوراق بهادار، امکان افزایش سرمایه از راه بازار و توسعه فعالیت با هزینه کمتر، برای آنها بسیار ساده‌تر از زمانی بود که شرکتهای داخلی در بازار حضور نداشتند؛ ثالثاً: بازار بورس برای شرکتهای داخلی و خارجی پذیرفته شده این امکان را فراهم می‌آورد که سهام آنها مورد معامله قرار گرفته و ارزش واقعی آنها در برابر رقبا تعیین شود؛^{۱۵} رابعاً: ورود به بازار بورس یک کشور و عبور از فیلترهای نظارتی و کنترلی آن موجب افزایش اعتبار شرکت می‌شد همچنین حضور در بازار بورس، امکان افزایش دریافت تسهیلات از سیستم بانکی، امکان استفاده از ارزیابی عملکرد مدیران و کارشناسان بازار، امکان برخورداری از معافیت‌های خاص مالیاتی و امکان تعیین ارزش روزانه کل شرکت توسط بازار را بیش از پیش میسر می‌ساخت.^{۱۶}

با عنایت به دلایل فوق، اصول گتس در خصوص خدمات بورس نیز قابلیت اعمال یافت و با لازم‌الاجرا شدن گتس از سال ۱۹۹۵، کشورهای که درصدد الحاق به سازمان جهانی تجارت برآمده‌اند، مکلف شده‌اند تا در کنار ساختار اقتصادی، مقررات و رویه‌های اداری خود را در زمینه خدمات بورس با اصول کلی مقرر در این موافقت‌نامه سازگار نمایند اهمیت اصلاح مقررات و قوانین کشورها زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم در حوزه کالا موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، مانع اصلی بر سر راه تجارت آزاد محسوب می‌شود، اما در حوزه خدمات از جمله خدمات بورس، مقررات و تشریفات قانونی نامتعارف و دست و پا گیر، مانع اصلی به شمار می‌آید.^{۱۷}

این موضوع به رغم اهمیت فراوانش تاکنون در ادبیات حقوقی ما مورد توجه علمی و کاربردی قرار نگرفته و حتی مقاله مستقلی به این مقوله اختصاص نیافته است و این مقاله برای رفع نسبی خلأ تحقیقات حقوقی در این زمینه، به آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت خواهد پرداخت. نتایج این نوشتار از چند منظر قابل بهره‌برداری است: اولاً برخی قوانین و مقررات کشور ما در زمینه خدمات بورس اوراق بهادار با اصول گتس مغایرت داشته و قانون‌گذار کشور ما باید از هم اکنون و تا قبل از الحاق به سازمان جهانی تجارت این مغایرت‌ها را

^{۱۵} برای مطالعه بیشتر، نک: عباس خدابخش، خرید و فروش سهام، تهران، انتشارات چالش، ۱۳۸۴؛ نوو

ریموندپی، مدیریت مالی، ج ۲، ترجمه علی جهانخانی و علی پارسائیان، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.

^{۱۶} اکبر هاشم‌زاده، «مزایای پیوستن شرکتهای دولتی به بورس اوراق بهادار»، مرداد ۱۳۸۶، مندرج در سایت:

http://www.hesabiran.com/news/show_detail.asp?id=2431 تاریخ آخرین مراجعه به سایت: ۸۹/۲/۱۳.

^{۱۷} Sydney Key, "Trade Liberalization and Prudential Regulation: The International Framework for Financial Services", *IIII IIIII I*, vol.75. 1999, pp. 61, 65-66.

شناسایی و رفع کند؛ ثانیاً: یکی از تفاوت‌های حوزه کالا با حوزه خدمات در این است که برخی اصول و تعهدات حوزه خدمات بر خلاف حوزه کالا، قابل انعطاف بوده و می‌توان بر آنها استثنائاتی وارد کرده و امتیازاتی را به دست آورد^{۱۸} لذا گروه مذاکره‌کننده الحاق ایران به این سازمان، بر اساس نتایج این مقاله، با بعضی از امتیازات و استثنائاتی که می‌توان در زمینه خدمات بورس به نفع ایران تحصیل کرد، آشنا خواهند شد؛ ثالثاً: به رغم سابقه نه چندان طولانی بورس در ایران^{۱۹}، اما شرکت‌های بسیاری در بازار بورس کشور فعالند از این حیث و بر اساس نتایج این نوشتار، اشخاص حقیقی یا حقوقی داخلی و خارجی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم درگیر با خدمات بورس هستند می‌توانند با فضای حقوقی خدمات مزبور پس از الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت

18. Wendy Dobson, Jacquet Pierre and Pierre Jacquet, *Financial Services Liberalization in the Wto*, Peterson Institute, 1998, pp. 5 and seq.

19. نخستین بار در سال ۱۳۱۵ شمسی، وان لوترفلد بلژیکی مطالعاتی درباره تأسیس بورس اوراق بهادار در تهران انجام داد و طرح و اساسنامه و نظامنامه داخلی آن را نیز تهیه کرد، لیکن بروز جنگ جهانی دوم در شهریور ۱۳۲۰ و عدم ثبات سیاسی و اقتصادی سالهای اولیه سلطنت پهلوی دوم، تأسیس بورس را در ایران به تأخیر انداخت. قوانین تجاری ایران نیز در مورد (بورس) ساکت بود و نخستین بار ضمن ماده ۲۰ قانون تأسیس اتاق بازرگانی مصوب ۷ دیماه ۱۳۳۳ به موضوع بورس اشاره شد و طی آن از وزارت اقتصاد خواسته شد نظرات اتاق بازرگانی را درباره مسائل مربوط به بورس، مورد توجه قرار دهد. بالاخره در اردیبهشت ۱۳۴۵ قانون تشکیل بورس اوراق بهادار به تصویب رسید و به وسیله وزارت اقتصاد به بانک مرکزی ابلاغ شد و از بانک مرکزی درخواست شد که نسبت به اجرای مفاد آن قانون اقدام کند. بورس تهران در بهمن ۱۳۴۶ با انجام معاملات روی سهام بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران فعالیت خود را آغاز کرد. در سال ۱۳۴۷ سهام چند شرکت جدید تولیدی به بورس راه یافت و اسناد خزانه و قبوض اصلاحات اراضی عباس‌آباد نیز در بورس قابل معامله شد. از سال ۱۳۶۸ در چارچوب برنامه نیمسال اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تجدید فعالیت بورس اوراق بهادار تهران به عنوان زمینه‌ای برای اجرای سیاست خصوصی‌سازی مورد توجه قرار گرفت. در واقع سیاستگذاران اقتصادی در نظر داشتند که بورس اوراق بهادار، با انتقال پاره‌ای از وظایف تصدیهای دولتی به بخش خصوصی، جذب نقدینگی و گردآوری منابع پس‌انداز پراکنده و هدایت آن به سوی مصارف سرمایه‌گذاری، در تجهیز منابع توسعه اقتصادی و انگیزش مؤثر بخش خصوصی برای مشارکت فعالانه در فعالیتهای اقتصادی، نقش مهم و اساسی داشته باشد. در سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶، تعداد بنگاههای اقتصادی پذیرفته شده در بورس تهران از ۵۶ به ۲۶۳ شرکت افزایش یافت. در همین دوره، میانگین ارزش معاملات سالانه، حدود ۱۸۰ درصد افزایش یافت که در مجموع، به فراهم آوردن ۵/۳۹۱ میلیارد ریال برای تأمین منابع مالی مورد نیاز فعالیتهای مولد اقتصادی در اقتصاد ایران انجامیده است. همچنین در سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ تعداد بنگاههای اقتصادی پذیرفته شده در بورس تهران از ۲۶۳ شرکت به بیش از ۴۲۰ شرکت افزایش یافت که رشد کمی مناسبی را نشان می‌دهد. با این حال، عملکرد بورس اوراق بهادار تهران نشان می‌دهد که بازار متشکل سرمایه، در عمل جایگاه واقعی و شایسته خود را در اقتصاد ملی به دست نیاورده است؛ به گونه‌ای که میانگین سهم منابع تأمین شده توسط این نهاد در مقایسه با تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی، از مرز ۱/۶ درصد فراتر نرفته است (برگرفته از: پرویز سعیدی، پیشین).

آشنا شوند؛ برای نمونه، شرکتهای فعال در بازار بورس ایران برای افزایش قدرت رقابتی خود با شرکتهای خارجی و شعب آنها-که احتمالاً در آینده و پس از الحاق در کشور ما مستقر می‌شوند- از هم اکنون خود را آماده سازند.

برای دست یابی به نتایج فوق، مقاله حاضر در دو گفتار ارائه خواهد شد: در گفتار اول، مهمترین اصول و قواعد سازمان جهانی تجارت در حوزه خدمات بورس تبیین خواهد شد و از آنجا که این اصول در یکی از موافقت‌نامه‌های سازمان به نام گتس مقرر شده است، لذا اصول مندرج در این سند مورد نظر ما خواهد بود. همچنین در این گفتار و در خلال بحث، تجربه حقوقی الحاق سه کشور چین، ویتنام و اوکراین در حوزه خدمات بورس را در خلال مباحث مطرح می‌کنیم تا خوانندگان و گروه مذاکره‌ای ایران، با جدیدترین فضای الحاق به سازمان جهانی تجارت در حوزه مورد بحث آشنا شوند زیرا این سه کشور به عنوان کشورهای در حال توسعه، در سالهای اخیر به عضویت سازمان جهانی تجارت درآمده‌اند.^{۲۰} اما در گفتار دوم و برای افزایش جنبه کاربردی مقاله، اهم مقررات بورس ایران که با اصول گتس مغایرت دارند، مشخص شده و راهکار مناسب به قانون‌گذار و گروه مذاکره‌ای ایران پیشنهاد می‌شود.

گفتار اول - بررسی مهمترین اصول گتس^{۲۱} در زمینه خدمات بورس

اصول گتس تنها در زمینه بورسهای بین‌المللی جاری است بنابراین بورسهای داخلی یعنی بورسهایی که در آنها هیچ عنصر بین‌المللی دیده نمی‌شود، از شمول گتس خارجند. این نکته کلیدی اقتضا دارد تا پیش از بررسی مفاد اصول گتس ابتدا با معیارهای تفکیک بورس بین‌المللی از بورس داخلی آشنا شویم: گتس یکی از زیرمجموعه‌های سازمان جهانی تجارت محسوب می‌شود و مقررات این سازمان تنها به تنظیم روابط تجاری بین‌المللی می‌پردازد؛ بر این اساس، گستره این موافقت‌نامه نیز به گونه‌ای تنظیم شده است که تنها ناظر به بورسهای بین‌المللی باشد؛ همچنین این سند در بیان اهداف خود، این وصف را مد نظر قرار داده و افزایش تجارت و

^{۲۰} کشور چین، در سال ۲۰۰۱، کشور ویتنام در سال ۲۰۰۷ و کشور اوکراین در سال ۲۰۰۸ به عضویت سازمان جهانی تجارت درآمده‌اند.

^{۲۱} موافقتنامه گتس، از دو بخش اصلی به شرح زیر تشکیل می‌شود: بخش یکم، شامل متن موافقتنامه عمومی تجارت خدمات به همراه ضوابط آن است و بخش دوم، شامل طبقه‌بندی سازمان جهانی تجارت در مورد بخشهای خدمات است و جزء لاینفک موافقتنامه است. متن موافقتنامه خود از ۶ قسمت تشکیل شده است: حوزه شمول و تعریف (ماده ۱)، تعهدات کلی (مواد ۲ تا ۱۵)، تعهدات خاص (مواد ۱۶ تا ۱۸)، آزادسازی تدریجی (مواد ۱۹ تا ۲۱)، مقررات نهادی (مواد ۲۲ تا ۲۶)، مقررات پایانی (مواد ۲۷ تا ۲۹). گتس همچنین شامل ضمایمی است که مطابق ماده ۲۹ گتس، جزء لاینفک موافقت‌نامه بوده و به برخی از موضوعات تحت شمول اختصاص یافته و حاوی مقرراتی هستند که مشخص می‌سازند این موضوعات، چگونه و تحت چه شرایطی اعمال می‌شوند.

آزادسازی هرچه بیشتر در این بخش، ایجاد شفافیت و حمایت از ارائه‌دهندگان خدمات بورس خارجی، افزایش رقابت بین‌المللی از طریق تعدد گزینه‌ها برای صادرات خدمات بورس، بهبود کیفیت خدمات مزبور و افزایش قدرت رقابتی و خلاقیت در ارائه خدمات این حوزه را مهمترین اهداف خود دانسته است. بند ۲ ماده ۱ گتس، نیز به طور ضمنی معیارهای تشخیص بورس بین‌المللی را از بورس داخلی مقرر داشته است. مطابق این مقرر بورسهایی، بین‌المللی و مشمول گتس خواهند بود که به یکی از چهار شیوه زیر انجام شوند:

۱- شیوه عبور از مرز: ^{۲۲} در این روش، خدمات بورس، مستقل از عرضه‌کننده خدمات یا مشتری است بدین معنا که خدمات بورس از قلمرو کشور عرضه‌کننده به قلمرو عضو دیگر ارسال و در آنجا عرضه می‌شود. برای نمونه، ارائه‌دهنده خدمات مشاوره‌ای در زمینه حقوق بورس، ^{۲۳} بدون حضور فیزیکی در کشور دیگر، خدمات مشاوره‌ای را برای متقاضی مشاوره در قلمرو کشور دیگر ارسال دارد.

۲- شیوه مصرف در خارج: ^{۲۴} بر اساس این شیوه، مشتری خدمات بورس از مرز عبور می‌کند و در کشوری که در آن خدمت عرضه می‌شود، حضور می‌یابد. برای مثال، در بازار بورس یکی از اعضا، اوراق قرضه نشر می‌شود و تبعه یکی از اعضا برای خرید آن به قلمرو این کشور وارد می‌شود و در محل، از خدمات بورس عرضه‌کننده بهره‌مند می‌شود.

۳- شیوه حضور تجاری: ^{۲۵} در این شیوه، عرضه‌کننده خدمات بورس، به جای تأسیس مرکز اصلی، شعبه یا دفتر نمایندگی در قلمرو کشور عضو دیگر، مستقر کرده و تحت ضوابط داخل این کشور، فعالیت می‌کند و می‌تواند کارکنان داخلی را استخدام نماید. بیشترین تعهدات کشورهای در حال توسعه در بخش خدمات بورس، مربوط به این شیوه است و فلسفه اقتصادی گرایش کشورهای در حال توسعه به دادن تعهد در این بخش، آن است تا از منافع آن یعنی جلب سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری از طریق شعبه یا نمایندگی خارجی، ایجاد اشتغال و کاهش وابستگی به واردات خدمات بورس نیز برخوردار شوند. ^{۲۶}

۴- شیوه حضور اشخاص حقیقی: ^{۲۷} در این شیوه، عرضه‌کننده خدمات بورس یا کارکنان او، شخصاً در یک کشور خارجی عضو، حضور یافته و به ارائه خدمات می‌پردازد. برای مثال، شخص ایرلندی برای ارائه خدمات واسطه‌گری در بازار بورس کشور برزیل، در این کشور حاضر می‌شود.

22. cross-border supply

^{۲۳} ماده ۱ آیین‌نامه ارائه خدمات مشاوره و سیدگردانی اوراق بهادار ایران مصوب ۱۳۸۳ شورای بورس، در تعریف خدمات مشاوره مقرر می‌کند: «منظور ارائه نظر مشورتی در قالب قراردادی مشخص برای خرید و فروش اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس برای سرمایه‌گذاری معینی است که به منظور کسب انتفاع سرمایه‌گذار صورت می‌پذیرد.»

24. consumption abroad
25. commercial presence

^{۲۶} مرکز تجارت بین‌المللی آنکتاد و WTO، پیشین، ص ۲۹.

27. presence of natural persons

هرچند در گنس تصریح نشده است که منظور از حضور اشخاص حقیقی برای ارائه خدمات بورس در بازار کشور عضو دیگر، حضور موقتی است یا دائم، اما در یکی از ضمایم این موافقت‌نامه تحت عنوان «ضمیمه مربوط به انتقال اشخاص حقیقی عرضه‌کننده خدمات تحت پوشش موافقت‌نامه» مقرر شده است که شیوه مورد بحث تنها ناظر به اقامت موقت اشخاص حقیقی بوده و افرادی را که در جستجوی استخدام دائم هستند را، شامل نمی‌شود. این قید باعث شده است تا این شیوه در میان شیوه‌های عرضه خدمات بورس، مورد استقبال گسترده کشورهای توسعه یافته واقع نشده است و سرمایه‌گذاران این کشورها بر این باورند که طبق تحلیل هزینه-فایده^{۲۸}، استفاده از این شیوه چندان اقتصادی نیست زیرا معمولاً قوانین و مقررات بورس کشورهای در حال توسعه، حاوی تشریفات اداری فراوان جهت حضور و فعالیت موقت اشخاص حقیقی خارجی در بازار بورس، است و بسیاری از عرضه‌کنندگان خدمات بورس که برای حضور موقت در بازار کشور دیگر عضو، خود را با تشریفات طولانی اداری کشور میزبان مواجه می‌بینند، از حضور منصرف شده و به دیگر شیوه‌های عرضه خدمات روی می‌آورند. این تشریفات طولانی تنها مناسب مواردی است که عرضه‌کننده خدمات بورس، قصد اقامت دائم در کشور میزبان را دارد؛ به علاوه، در برخی موارد ورود موقت ارائه‌دهنده خدمات بورس و اخذ مجوز کار برای کارکنان خود جهت کار در بازار بورس اوراق بهادار در کشور خارجی، مشروط به شروط خاصی (نظیر احراز نیازهای اقتصادی و ظرفیتهای عملی بازار داخلی دولت میزبان) می‌گردد.

گنس پس از تبیین گستره خود، به بیان مفاد اصول مورد نظر خود می‌پردازد اما این اصول الزام‌آور از حیث میزان التزام کشورهای عضو بدان در یک سطح قرار ندارند؛ از این رو، می‌توان آنها را به دو دسته اصول غیرقابل انعطاف (غیرقابل مذاکره) و اصول قابل انعطاف (قابل مذاکره) تقسیم کرد که در ادامه و در قالب دو فصل، به اهم این اصول و تبیین مفاد آن خواهیم پرداخت:

فصل اول- اصول غیرقابل انعطاف (غیرقابل مذاکره) در حوزه خدمات بورس

اصول غیرقابل انعطاف به اصولی اطلاق می‌شود که کشورهای متقاضی الحاق به سازمان جهانی تجارت نمی‌توانند بر آن استثنایی وارد کنند و در خصوص حیطه اعمال آن، با یکدیگر مذاکره کنند. به واسطه همین وصف است که این دسته اصول، به «التزامات عمومی»^{۲۹} نیز موسوم شده‌اند

^{۲۸} تحلیل هزینه- فایده (cost-benefit)، یکی از مفاهیم بسیار رایج و قابل اتکا در تحلیلهای اقتصادی از جمله تحلیل اقتصادی قواعد حقوقی است و طبق آن، یک انسان متعارف اقتصادی زمانی به سراغ استفاده از یک نهاد یا شیوه یا قاعده حقوقی می‌رود که منافع استفاده از آن، بیشتر از هزینه‌های اجرای آن باشد. برای مطالعه بیشتر، نک:

Richard O. Zerbo Jr., *Introduction to Benefit-Cost Volume*, Daniel J. Evans School of Public Affairs at the University of Washington: 2007.

^{۲۹} General Obligations.

زیرا میزان التزام دولتها بدین اصول، به یک اندازه است. این اصول متعدّدند با این حال، چون اصل دولت کامله‌الوداد و اصل شفافیت از بقیه مهمترند لذا در ادامه و در قالب دو بند (الف) و (ب)، به بیان مفاد این دو اصل در زمینه خدمات بورس خواهیم پرداخت^{۳۱}:

الف - اصل دولت کامله‌الوداد^{۳۱}: مراد از اصل دولت کامله‌الوداد (مذکور در ماده ۲ گتس) در زمینه خدمات بورس این است که هر کشور عضو سازمان جهانی تجارت در مورد بخش خدمات بورس مشمول موافقتنامه گتس و کلیه زیربخشهای آن مثل داد و ستد اوراق قرضه به حساب خود یا مشتریان^{۳۲}، مشارکت در نشر اوراق بهادار^{۳۳} از جمله پذیرهنویسی، دلالتی پول^{۳۴}، مدیریت دارایی مانند مدیریت داراییهای نقدی یا مدیریت پرتفوی^{۳۵}، خدمات مربوط به تسویه و تهاتر داراییهای مالی^{۳۶}، خدمات مشاوره‌ای و سایر خدمات مالی کمکی^{۳۷} و مانند آن، رفتاری را فوراً و بدون قید و شرط در مورد خدمات و عرضه‌کنندگان خارجی خدمات بورس اتخاذ کند که از رفتار متخذه در مورد خدمات و عرضه‌کنندگان بورس مشابه سایر کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، نامطلوب‌تر نباشد^{۳۸}. بنابراین از پیامدهای اصل مزبور آن است که اگر یکی از کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، امتیازی را در بخش خدمات بورس در اختیار کشور عضو دیگر قرار دهد برای مثال خدمات بورس عرضه‌کنندگان چینی را از مالیات معاف کند، این امتیاز فوراً و خودبخود به سایر کشورها هم تسری می‌یابد زیرا فلسفه وجود این اصل در موافقتنامه‌های مختلف سازمان جهانی تجارت از جمله گتس آن است که این اصل، یکی از نمادهای اصل عدم تبعیض^{۳۹} میان اعضا به شمار می‌رود.

^{۳۱} غیر از اصل دولت کامله‌الوداد و اصل رعایت شفافیت، سایر اصول غیرقابل انعطاف مذکور در گتس عبارتند از: مقررات داخلی، انحصارات، رویه‌های بازرگانی و افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه، است. برای مطالعه در زمینه مفاد این اصول، نک:

- مسعود کمالی اردکانی و میترا نصیری، «موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات»، مندرج در: **مجموعه آموزشی سازمان تجارت جهانی**، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵؛ محسن صادقی و بهنام غفاری فارسانی، «آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر حمل و نقل جاده‌ای»، **طرح تحقیقاتی انجام شده در گروه مطالعات و پژوهشهای حقوق اقتصادی و بازرگانی**، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۶.

31. Most-Favored-Nation Treatment (MFN)
32. trading for own account or for account of customers
33. participation in issues of all kinds of securities
34. money broking
35. asset management, such as cash or portfolio management
36. settlement and clearing services for financial assets
37. advisory and other auxiliary financial services

^{۳۸} طبق بند ۱ ماده ۲ گتس: «هر عضو در مورد هر اقدام مشمول موافقت‌نامه حاضر، فوراً و بدون قید و شرط رفتاری را در مورد خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات هر عضو دیگر در پیش خواهد گرفت که از رفتار متخذه در مورد خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات مشابه هر کشور دیگر نامطلوب‌تر نباشد».

39. principle of non-discrimination

کشورهایی که قصد عضویت در سازمان جهانی تجارت را دارند می‌توانند در حین مذاکرات الحاق و در جدول تعهدات خود، امتیازاتی را که در محدوده مناطق مرزی مجاور و با هدف تسهیل مبادلات خدمات بازار بورس به کشورهای همسایه اعطا کنند، از شمول اصل کامله‌الوداد استثنا کنند (بند ۱ ماده ۲ موافقت‌نامه)؛ همچنین موافقت‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه‌ای که در زمینه خدمات بورس حاوی امتیازاتی به نفع طرف متعاهدند نیز در صورت موافقت دولتهای طرف مذاکره الحاق و درج شدن در جدول تعهدات، می‌توانند از شمول اصل مزبور خارج شوند؛ نکته مهمی که باید مورد توجه گروه مذاکره‌ای ایران قرار داشته باشد.

امکان وارد ساختن این استثنائات بر اصل دولت کامله‌الوداد، این سؤال را برای خواننده نکته سنج مطرح سازد که چرا این اصل جزو اصول غیرقابل انعطاف گنجانده شده و تفاوت آن با اصول قابل انعطاف چه می‌شود؟ در مقام پاسخ باید خاطر نشان ساخت که استثنائاتی که احتمال وارد ساختن آن بر اصل دولت کامله‌الوداد وجود دارد، بسیار محدود و از قبل مشخص است در حالی که در خصوص اصول قابل انعطاف، یک عضو می‌تواند در جریان مذاکره، محدودیتها و استثنائاتی را در جدول خود شرح دهد و در نتیجه، نوع و میزان این استثنائات از قبل مشخص نیست و تنها در جریان مذاکرات میان طرفین مذاکره معین می‌گردد.

ب- اصل تعهد به رعایت شفافیت^{۴۰}: بخش خدمات بورس به عنوان یکی از بخشهای مالی حساس و پیچیده، در هر کشور عضو سازمان جهانی تجارت دارای قوانین متفاوتی است و در داخل هر کشور نیز مقررات مربوط به بورس می‌تواند متنوع باشد. در این میان، از یکسو آگاهی از تمام قوانین و مقررات کلیه کشورهای عضو سازمان برای سرمایه‌گذارانی که قصد حضور در بازار بورس دیگر کشورها را دارند میسر نیست؛ وانگهی در صورت اطلاع از این قوانین نیز همیشه احتمال تغییر در نگرش اقتصادی سیاستگذاران یا رویه قانونی قانون‌گذار آن کشور وجود دارد. بی‌تردید این ابهام در حیطه قوانین بورسی باعث خواهد شد تا بسیاری از سرمایه‌گذاران و شرکتهای خارجی از حضور در بازار بورس کشور دیگر منصرف شوند و برخی نیز از این ابهام فرصت‌طلبانه به نفع خود سوءاستفاده کنند. به منظور کاستن از این معضل، گتس به موجب اصل شفافیت، کشورهای عضو را مکلف ساخته است تا شرایط اداری و قانونی خود در زمینه بورس (نظیر نحوه اخذ مجوز جهت حضور در بازار بورس) را برای سایر اعضا شفاف و بدون ابهام کنند. این تعهد، یک تعهد مستمر است بدین ترتیب که بعد از هر تغییر در رویه‌های اداری و قانونی آن کشور، باید این تغییر از طریق دبیرخانه گتس به اطلاع سایر اعضا برسد. اما برای اجرایی ساختن این اصل، گتس در مواد ۳ و ۴ خود، دو الزام را برای اعضا پیش‌بینی کرده است: نخست آنکه کشورهای عضو باید پایگاههای اطلاع‌رسانی را تأسیس کرده و قوانین و مقررات

مظهر دیگر این اصل، اصل رفتار ملی است که در بخش تعهدات خاص، به تفصیل از آن سخن به میان خواهد آمد.

40. transparency

راجع به خدمات بورس را منتشر سازند تا دیگر اعضا بتوانند از طریق این پایگاهها، از قوانین و مقررات داخلی مؤثر بر خدمات بورس و بازار اوراق بهادار و تغییر احتمالی آنها مطلع شوند؛ دوم آنکه هر کشوری که متقاضی الحاق به سازمان جهانی تجارت است موظف است تا به سؤالات متعددی که از طرف اعضای گروه کاری خدمات سازمان جهانی تجارت در مورد ابعاد مختلف خدمات بورس و کلیه زیربخشهای آن در کشور متقاضی می‌شود، به طور تفصیلی پاسخ دهد. نمونه‌ای از موارد مورد درخواست گروه کاری الحاق که می‌تواند مورد توجه گروه مذاکره‌کننده ایرانی نیز قرار گیرد عبارتند از: ۱- روایدید، پروانه کار، معیارهای اعطای مجوز فعالیت و هزینه‌های حضور در بازار بورس اوراق بهادار؛ ۲- استعلام شرایط تعیین صلاحیت و الزامات قانونی برای ثبت نهادهای متقاضی ثبت همراه با مراکز تخصصی ثبت در کشور متقاضی؛ ۳- اطلاعات راجع به قوانین رژیم سرمایه‌گذاری خارجی در بخش بورس و طرح سؤالاتی راجع به اینکه چرا برخی بخشها به روی سرمایه‌گذاری خارجی بسته شده است یا محدودیتها و شرایط صلاحیتی خاصی وضع شده است؛ ۴- رژیم و معافیت‌های مالیاتی؛ ۵- انواع اشخاص حقوقی و قالبهای حقوقی آنها؛ ۶- نحوه و امکان استفاده از زمین دولت میزبان توسط ارائه‌دهندگان خارجی بورس؛ و ۷- میزان آزادی و یا محدودیت‌هایی که دولت میزبان سرمایه برای خروج اصل و منافع سرمایه به خارج از کشور مقرر داشته است.^{۴۱}

فصل دوم- اصول قابل انعطاف (قابل مذاکره) در حوزه خدمات بورس

این اصول را از آن رو، قابل انعطاف و قابل مذاکره می‌خوانند که کشورهای متقاضی الحاق به سازمان جهانی تجارت می‌توانند در حین مذاکرات الحاق، استثنائی بر آنها وارد کنند و آن را در جدول تعهدات خود درج کنند.^{۴۲} بر این اساس، میزان تعهدات هر کشور نسبت به این اصول می‌تواند با کشور عضو دیگر کاملاً متفاوت باشد و مختص همان کشور باشد؛ به همین لحاظ در موافقت‌نامه گتس، از اصول مزبور به «تعهدات خاص»^{۴۳} تعبیر شده است. نکته قابل توجه اینکه قابلیت وارد ساختن استثنائات بر این اصول به معنای آن نیست که کشورهای متقاضی می‌توانند خود را در تمام شیوه‌های چهارگانه عرضه خدمات بورس، به کلی از رعایت اصول مذکور معاف سازند بلکه تمام کشورها مکلفند تا حداقلی از آنها را رعایت نمایند اما میزان التزام کشورها بدانها متفاوت است بدین ترتیب هر کشوری که استثنائات بیشتری بر اصول به نفع خود تحصیل کند، کمتر به رعایت آنها متعهد خواهد بود.

اصول قابل انعطاف مورد پذیرش در گتس در حوزه خدمات بازار بورس اوراق بهادار، عبارتند از: اصل دسترسی به بازار^{۴۴} و اصل رفتار ملی^{۴۵}. ممکن است این سؤال برای

41. Mina Mashayekhi, Services, Development and WTO Accession: Strategic Considerations, WTO Accession Workshop for Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran, 4-8 March 2006, pp.23-24.

42. Houtt, *The Law of International Trade*, London: Sweet & Maxwell, 2002.

43. special commitments

44. market access

خواننده تیزبین مطرح شود که چرا این دو اصل که در حوزه تجارت کالا نیز اعمال می‌شود^{۴۶}، قابلیت انعطاف و مذاکره را بر خلاف حوزه خدمات ندارند؟ در پاسخ باید گفت که در زمان تنظیم گات، کشورهای در حال توسعه موافقت خود را با اعمال دو اصل مزبور بدون استثنا اعلام کردند با این حال پس از ملاحظه عملی و عینی نتایج آن، مخالفت خود را با اعمال دو اصل مزبور بر بخش تجارت خدمات از جمله خدمات بورس ابراز کردند. لذا کشورهای توسعه یافته برای جلب رضایت این کشورها و تصویب نهایی گتس، این شرط را پذیرفتند که دو اصل مورد بحث در حوزه خدمات، قابلیت انعطاف و مذاکره را داشته باشد^{۴۷}.

اما مفاد این دو اصل در زمینه خدمات بورس اوراق بهادار چیست؟ برای ارائه توضیحات مفصل و کاربردی در این زمینه، این فصل را به سه بند تقسیم کرده ایم: در بند الف، مفاد اصل دسترسی به بازار در حوزه خدمات بورس را تبیین می‌کنیم؛ در بند ب، از اصل رفتار ملی در این بخش سخن می‌گوییم و بالاخره در بند ج، به دلیل اهمیت جدول تعهدات کشورها و درج دو اصل مذکور در آن، ساختار جدول تعهدات خاص در زمینه خدمات بورس را همراه با ذکر یک نمونه، تشریح می‌نماییم:

الف) اصل دسترسی به بازار در حوزه خدمات بورس

کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت بر اساس اصل دسترسی به بازار مندرج در ماده ۱۶ گتس، ملزم شده‌اند تا با رفع محدودیتها و موانع غیرمتعارف، امکان ورود و فعالیت عرضه‌کنندگان حقیقی و حقوقی خارجی خدمات بورس را در بازار کشورشان فراهم سازند زیرا یکی از ابزارهای غیرقابل انکار در ترویج فضای رقابتی در زمینه بازار بورس، رفع این محدودیت‌های نامتعارف و تحدید مداخله دولت در وضع و اجرای مقررات دست و پا گیر و محدودکننده رقابت است^{۴۸}. نمونه اجرای این تعهد را در مورد کشور چین شاهدیم؛ جایی که این کشور با الحاق به سازمان جهانی تجارت و پذیرش تعهد به رعایت اصل دسترسی به بازار در زمینه خدمات بورس، از طریق کمیسیون تنظیم مقررات بورس اوراق بهادار (CSRC)^{۴۹}، امکان حضور و فعالیت برابر عرضه‌کنندگان خارجی و داخلی خدمات بورس را فراهم ساخت^{۵۰}.

بر این اساس، اگر کشوری با وضع قوانین و مقرراتی، محدودیت‌های نامتعارفی را برای

45. national treatment

۴۶. نک: سازمان تجارت جهانی، شناخت سازمان تجارت جهانی، ترجمه محمدجواد ابروانی، تهران: مؤسسه

مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۳.

47. Mina Mashayekhi, *Services and Development*, WTO Accession Workshop for Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran, 4-8 March 2006.

48. Mary E. Footer, "Global and Regional Approaches to the Regulation of Trade in Services", *The International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 43, No. 3 (Jul. 1994), pp. 669 & 670.

49. China securities regulatory commission

50. Nicholas Calcina Howson, "China and WTO Liberalization of the Securities Industry: Le Choc des mondes or L'Empire immobile?", In: *Asia Policy*, No. 3, January 2007, pp. 151-185, Available at: <http://asiapolicy.nbr.org>; last visited: 03/05/2010.

عرضه‌کنندگان خدمات بورس خارجی فراهم سازد، اصل دسترسی به بازار را نقض کرده و ممکن است از سوی کشور ذینفع در هیأت حل اختلاف سازمان جهانی تجارت طرف شکایت قرار گیرد. اما مراد از رفتارهای نامتعارف و خلاف اصل مزبور در حوزه خدمات بورس چیست؟ با استنباط از ماده ۱۶ گتس، می‌توان موارد زیر را از مهمترین محدودیتهای نامتعارف شمرد: ۱- محدودیتهای کمی: که خود شامل چهار نوع محدودیت می‌شود و عبارتند از: وضع محدودیت بر تعداد عرضه‌کنندگان خدمات بورس، تحدید کل ارزش مبادلات در بورس از سوی خارجیان، محدودسازی تعداد کل عملیات و بالاخره محدود کردن تعداد اشخاص حقیقی مجاز به ورود در بازار بورس داخلی؛ ۲- محدودیتهای کیفی: این محدودیتها خود شامل دو محدودیت می‌شود که عبارتند از: وضع محدودیت در مشارکت سرمایه خارجی و محدودیت در واحدهای حقوقی. با عنایت به توضیحات فوق آشکار می‌گردد که اگر قانون‌گذار کشوری، به وضع محدودیت متعارف در زمینه عرضه خدمات بورس خارجی بپردازد برای مثال مقرر دارد که حضور عرضه‌کنندگان خدمات مشاوره‌ای در بازار بورس داخلی منوط به کسب مجوز از نهاد اداری خاصی است، این محدودیت نمی‌تواند یک محدودیت نامتعارف تلقی شود زیرا در بسیاری از کشورها چنین رویه‌ای حاکم است؛ همچنین اگر گروه مذاکره‌ای یک کشور بتواند در زمان الحاق به سازمان جهانی تجارت، استثنائی را بر اصل دسترسی به بازار وارد کند و امکان وضع محدودیتهای کمی و کیفی مزبور را در جدول تعهداتش بگنجانند، اعمال این محدودیتها دیگر به منزله نقض اصل دسترسی به بازار محسوب نمی‌گردد. برای مثال، کشور اوکراین توانسته است در زمان الحاق، این استثنا را به نفع خود تحصیل کند که در شیوه سوم خدمات صدور انواع اوراق بهادار، اشخاص حقیقی قادر به ارائه این خدمت نبوده و تنها اشخاص حقوقی می‌توانند بدین خدمت مبادرت ورزند^{۵۱}. همچنین کشور ویتنام در شیوه سوم عرضه خدمات راجع به اوراق بهادار قابل نقل و انتقال، خدمات مشارکت در نشر اوراق بهادار، خدمات مدیریت دارایی مانند مدیریت داراییهای نقدی یا مدیریت اوراق بهادار، خدمات مربوط به تسویه و تهاتر داراییهای مالی و نیز خدمات تجاری به حساب خود و مشتریان از سوی عرضه‌کنندگان خارجی خدمات بورس مقرر داشته است که شرکتهای خارجی عرضه‌کننده تنها زمانی می‌توانند در ویتنام مستقر شده و فعالیت کنند که در قالب سرمایه‌گذاری مشترک (JV)^{۵۲} با طرف ویتنامی بوده و سهم خارجی از ۴۹ درصد فراتر نرود اما پس از ۵ سال از تاریخ الحاق ویتنام به سازمان جهانی تجارت، طرف خارجی می‌تواند تا ۱۰۰ درصد سهام را تملک کند^{۵۳}.

ب) اصل رفتار ملی در زمینه خدمات بورس

منظور از اصل رفتار ملی (مذکور در ماده ۱۷ گتس) در حوزه خدمات بورس آن است که اعضای

51. http://www.wto.org/english/thewto_e/countries_e/ukraine_e.htm; last visited: 02/05/2010

52. joint venture

53. http://www.wto.org/english/thewto_e/countries_e/vietnam_e.htm; last visited: 03/05/2010

سازمان جهانی تجارت ملزمند تا رفتار یکسانی با ارائه‌دهندگان خدمات خارجی و داخلی بورس داشته باشند بدین معنا که همان امتیازاتی که به موجب قوانین و مقررات در اختیار ارائه‌دهندگان داخلی خدمات بورس قرار می‌گیرد، در اختیار اتباع خارجی هم قرار گیرد به گونه‌ای که اتباع خارجی، در وضعی نامطلوبتر از اتباع داخلی قرار نگیرند. برای نمونه، اگر قانون‌گذار یک کشور عضو سازمان جهانی تجارت قانونی وضع کند که به موجب آن، اتباع خارجی ارائه‌دهنده خدمات مشاوره در زمینه بورس، نسبت به اتباع داخلی مکلفند تا مالیات بیشتری پرداخت کنند یا اینکه در زمینه خدمات واسطه‌گری، اتباع داخلی ارائه‌دهنده خدمات، نسبت به اتباع خارجی در اولویت هستند بدین ترتیب که متقاضیان خدمات، ابتدا باید به سراغ ارائه‌دهندگان داخلی بروند، این مقررات با اصل رفتار ملی مغایرت دارد.

از مفاد این اصل چنین بر می‌آید که قلمرو اجرای اصل رفتار ملی در داخل مرزهای کشور میزبان است در حالی که اصل دسترسی به بازار، در مرزهای کشور اعمال می‌شود؛ بدین ترتیب، ابتدا کشور عضو بر اساس اصل دسترسی به بازار، اجازه ورود و فعالیت را به عرضه‌کنندگان خارجی خدمات بورس در بازار اوراق بهادار خود اعطا می‌کند و در مرحله بعد، تابع اصل رفتار ملی خواهد بود. اما مبنای اقتصادی اصل رفتار ملی در زمینه خدمات بورس آن است که چون فضای اقتصاد امروزی، فضایی رقابتی است، لذا عرضه‌کنندگان داخلی و خارجی خدمات مزبور باید در فضایی برابر و عادلانه، به رقابت با یکدیگر بپردازند و هر عرضه‌کننده‌ای که خدمات باکیفیت‌تر و با قیمت نازل‌تر ارائه می‌کند، پیروز میدان رقابت خواهد بود بنابراین اگر قانون کشور میزبان، با وضع قانونی خاص، عرضه‌کنندگان تبعه خود را از مالیات معاف سازد و این امتیاز در اختیار ارائه‌دهندگان خارجی خدمات بورس قرار نگیرد، رقابت از حالت منصفانه خارج می‌شود زیرا اقدام دولت میزبان، تبعیض آمیز بوده و باعث می‌شود تا عرضه‌کننده داخلی، از پشتوانه دولتی برخوردار شود امتیازی که عرضه‌کننده خارجی از آن بی‌بهره است.

آنچه در خصوص منع وجود مقررات خلاف اصل رفتار ملی گفته شد، ناظر به جایی است که کشور متقاضی الحاق نتوانسته باشد استثنائاتی را بر اصل مزبور در جدول تعهدات خاص خود درج کند.^{۵۴} برخی از انواع این استثنائات عبارتند از: اعطای تخفیف یا معافیت‌های مالیاتی به اتباع داخلی، الزام به اقامت دائم یا تحصیل تابعیت برای اتباع خارجی به منظور تملک زمین، شرایط متفاوت صدور مجوز فعالیت بورس، دادن حق شرط به افراد و اشخاص نسبت به نوع یا حجم خاصی از فعالیت‌های تجاری و مشروط ساختن اعمال اصل رفتار ملی برای ارائه‌دهندگان خارجی خدمات بورس به انتقال مهارت‌ها، دانش فنی، آموزش و به کارگیری کارکنان و کارگزاران تبعه دولت میزبان.^{۵۵} نمونه این استثنائات در جدول تعهدات چین دیده می‌شود جایی که این کشور، از

54. UNCTAD and WTO Secretary, *Business Guide to the General Agreement on Trade in Services*, Revised Edition, ITC, (Geneva: ITC/CS, 2002).

55. WTO, *An Introduction to the General Agreement on Trade in Services (GATS)*, (WTO Secretariat, 1999).

اعطای حق تملک در زمین به عرضه‌کنندگان خارجی خدمات از جمله خدمات بورس خودداری می‌کند همچنین برای اشخاص حقیقی عرضه‌کننده خدمات بورس، تنها اقامت سه ساله در چین را مجاز دانسته است.^{۵۶}

ج) ساختار جدول تعهدات و نمونه آن در بخش خدمات بورس

در این مقاله تاکنون چند بار از اصطلاح «جدول تعهدات» و «جدول تعهدات خاص» استفاده کرده‌ایم. در این بند، ساختار جدول مزبور را تشریح کرده و نمونه‌ای از آن را با تأکید بر خدمات بورس ذکر می‌کنیم:

جدول تعهدات - به عنوان یک جدول استاندارد و متحدالشکل برای تمام کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت و کشورهای متقاضی الحاق - از چهار ستون تشکیل شده و در بالای هر جدول، چهار شیوه عرضه خدمات - که در صفحات پیشین بدانها اشاره شد - از ۱ تا ۴ شماره‌گذاری شده است:

ستون اول، مربوط به بخشهای خدماتی و زیر بخشهای آن می‌باشد بدین نحو که در این ستون، تمامی بخشهای خدماتی مشمول گنس از جمله خدمات مالی به ترتیب ذکر می‌شود و در زیر هر بخش خدماتی، زیر بخشهای آن می‌آید بنابراین در بخش خدمات مالی، زیر بخشهای آن یعنی خدمات بیمه، خدمات بانکی و سایر خدمات مالی نظیر بورس ذکر می‌شود و در زیر بخش بورس نیز، انواع خدمات بورس اوراق بهادار بیان می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از: تجارت به حساب خود یا مشتریان در بورس و معامله به اشکال مختلف نظیر ارز و اسناد ارزی و دارای بهره^{۵۷}، اوراق بهادار قابل نقل و انتقال^{۵۸}، مشارکت در نشر اوراق بهادار^{۵۹} از جمله قبول تعهد و نمایندگی فروش اوراق اعم از خصوصی یا عمومی و ارائه خدمات مرتبط با این نشر، دلالی پول^{۶۰}، مدیریت دارایی^{۶۱} مانند مدیریت داراییهای نقدی یا مدیریت اوراق بهادار، خدمات مربوط به تسویه و تهاتر داراییهای مالی^{۶۲} شامل اوراق بهادار و سایر اسناد قابل معامله، خدمات مشاوره‌ای و سایر خدمات مالی کمکی^{۶۳} و بالاخره ارائه و انتقال اطاعات مالی و داده‌پردازی مالی و نرم‌افزارهای مربوط از طریق عرضه‌کنندگان سایر خدمات مالی^{۶۴}.

ستون دوم مربوط به محدودیتهای دسترسی به بازار است؛

ستون سوم مربوط به محدودیتهای رفتار ملی است؛ و

56. http://www.wto.org/english/thewto_e/countries_e/china_e.htm; last visited: 03/05/2010

57. trading for own account or for account of customers

58. transferable securities

59. participation in issues of all kinds of securities

60. money broking

61. asset management

62. settlement and clearing services for financial assets

63. advisory and other auxiliary financial services

64. provision and transfer of financial information, and financial data processing and related software by providers of other financial services.

در ستون چهارم معمولاً هرگونه تعهدات اضافی دیگری که در حوزه دسترسی به بازار و رفتار ملی نمی‌گنجد، قرار می‌گیرد.

اما در داخل جدول تعهدات، از دو دسته تعهدات کلی نام برده می‌شود: یکی بخش تعهدات افقی^{۶۵} و دیگری بخش تعهدات بخشی^{۶۶}. تعهداتی در بخش افقی درج می‌گردند که بر تمامی بخشهای خدماتی اعمال می‌شوند و اغلب، شامل تعهدات راجع به مقررات سرمایه‌گذاری، انتقال اشخاص حقیقی، استفاده از یارانه‌ها، اقدامات مالیاتی و مانند آن می‌شود. علت وجود این بخش در جدول تعهدات خاص آن است که گاه محدودیتها و استثنائاتی که یک کشور می‌تواند در حین مذاکرات الحاق، بر اصول دسترسی به بازار و رفتار ملی، به دست آورد، ناظر به تمام بخشهای خدماتی اعم از خدمات بورس و سایر خدمات است لذا بجای آنکه این محدودیتها در ستون مربوط به هر بخش خدماتی مرتباً تکرار شود، آنها را به طور یکجا در ستون تعهدات افقی می‌آورند و مقرر می‌دارند که این محدودیتها ناظر به تمامی بخشها خواهد بود. اما تعهدات بخشی^{۶۷}، تعهداتی هستند که بر بخش خدماتی خاص مثل خدمات مالی و زیر بخشهای آن مانند خدمات بورس اعمال می‌گردند.

در ستونهای جدول تعهدات، از اصطلاحات مهمی استفاده می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از: ۱- Unbound: یعنی کشور متقاضی، پس از الحاق، هیچ‌گونه تعهدی در آن زمینه خاص ندارد و می‌تواند بر خلاف اصل دسترسی به بازار یا رفتار ملی عمل کند؛ بنابراین، کشور متقاضی اگر بتواند موافقت کشورهای طرف مذاکرات الحاق را به دست آورد و در جریان مذاکرات موفق باشد می‌تواند در برخی شیوه‌های عرضه خدمات بورس مانند شیوه حضور تجاری، این اصطلاح را درج کند یعنی در این شیوه خاص ارائه خدمات بورس هیچ تعهدی به رعایت اصل دسترسی به بازار ندارد. برای نمونه، کشور ویتنام در جدول تعهدات خود مقرر داشته است که در شیوه اول خدمات تجاری به حساب خود و مشتریان، این کشور هیچ تعهدی به رعایت اصل رفتار ملی نخواهد داشت^{۶۸}. ۲- Unbound except as indicated in the horizontal section: این اصطلاح در مورد شیوه چهارم عرضه خدمات بورس یعنی حضور اشخاص حقیقی استفاده می‌شود و گویای آن است که کشور متقاضی الحاق استثنایی بر اصل دسترسی به بازار و رفتار ملی وارد نمی‌کند مگر آنچه که به عنوان استثنا در بخش تعهدات افقی ذکر شده است. برای مثال کشور اوکراین در زمینه شیوه چهارم خدمات بورس خود مقرر داشته است که دولت این کشور می‌تواند عرضه‌کنندگان حقیقی خدمات بورس را که تبعه این کشورند،

^{۶۵}. horizontal

^{۶۶}. sector- specific

^{۶۷}. این اصطلاح در بند (ه) ماده ۲۸ گتس تعریف شده است. مطابق این بند، مراد از بخشی از یک خدمت: «۱- با توجه به یک تعهد خاص، به معنای یک یا چند و یا همه زیربخشهای آن خدمت، به نحو مقرر در جدول یک عضو است؛ ۲- به گونه‌ای دیگر، به معنای کل آن بخش خدماتی، از جمله تمام زیربخشهای آن است.»

^{۶۸}. http://www.wto.org/english/thewto_e/countries_e/vietnam_e.htm; last visited: 03/05/2010

از یارانه دولتی بهره‌مند سازد؛ ۳- None: به معنای عدم اعمال محدودیت بر اصول دسترسی به بازار و رفتار ملی است یعنی کشور متقاضی الحاق، در تمام چهار شیوه عرضه خدمات بورس یا شیوه خاصی از آن، به طور کامل پایبند این دو اصل است و هیچ استثنایی بر آنها وارد نمی‌کند؛ برای مثال، کشور اوکراین در زمینه اوراق بهادار قابل نقل و انتقال در بازار بورس، در شیوه‌های اول تا سوم، هیچ استثنایی بر اصل دسترسی به بازار و رفتار ملی وارد نکرده یا نتوانسته است وارد کند و به طور کامل، تابع این دو اصل خواهد بود.⁶⁹

به نمونه‌ای از یک جدول تعهدات خاص در حوزه خدمات بورس توجه بفرمایید:

شیوه‌های عرضه خدمات: ۱- مصرف در خارج ۲- عبور از مرز ۳- حضور تجاری ۴- حضور اشخاص حقیقی		
بخشها و زیربخشها	محدودیت‌های وارد بر اصل دسترسی به بازار	محدودیت‌های وارد بر اصل رفتار ملی
الف) تعهدات افقی		
تمام بخش‌های خدماتی مندرج در جدول تعهدات	۳) در شیوه دوم عرضه خدمات، استثنایی بر اصل وارد نمی‌شود مگر اینکه شرکت‌های خارجی ارائه‌دهنده خدمات مشاوره بورس حاضر در کشور (... نام کشور متقاضی الحاق ...) در قالب سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت ارائه‌دهنده داخلی فعالیت کنند.	۲) در شیوه سوم عرضه خدمات، یارانه عرضه خدمات فقط به عرضه‌کنندگان داخلی پرداخت می‌شود. ۴) در شیوه چهارم، ارائه‌دهندگان خدمات بورس تبعه خارج تنها تا سه ماه از تاریخ ورود و اقامت در کشور ... مجاز به فعالیت در بازار بورس اوراق بهادار هستند.
ب) تعهدات بخشی		
۷- خدمات مالی الف) خدمات بیمه ... ب) خدمات بانکی و سایر خدمات مالی از جمله خدمات بورس {	۱) تعهدی به رعایت اصل در شیوه اول عرضه خدمات بورس ندارد ۲) استثنایی بر اصل وارد نمی‌کند ۳) استثنایی وارد نیست مگر آنکه موسسات خارجی ارائه‌دهنده خدمات بورس تنها زمانی مجاز به تاسیس در این کشورند که در قالب سرمایه‌گذاری مشترک بوده و حداکثر سهم خارجی، ۴۹ درصد است. ۴) در شیوه چهارم استثنایی وارد نیست مگر آنچه در بخش تعهد افقی آمده است.	۱) استثنایی بر اصل رفتار ملی در شیوه اول وارد نیست. ۲) استثنایی بر اصل رفتار ملی در شیوه دوم وارد نیست. ۳) تعهدی به رعایت اصل رفتار ملی در شیوه سوم وجود ندارد. ۴) در شیوه چهارم استثنایی وارد نیست مگر آنچه در بخش تعهد افقی آمده است.

گفتار دوم: شناسایی مهمترین مقررات

مغایر ایران در زمینه بورس با اصول گتس و ارائه راهکار

همانگونه که در مقدمه مقاله اشاره شد، وضعیت مقررات بورس ایران از حیث انطباق یا مغایرت با اصول گتس باید مورد بررسی علمی و کاربردی قرار گرفته و در موارد مغایر، راهکارهای مناسب و عملی به گروههای ذینفع و بهره‌بردار پیشنهاد شود زیرا ایران برای الحاق به سازمان مذکور باید قوانین و مقررات مغایر خود را با اصول و قواعد سازمان مزبور سازگار سازد. این راهکارهای مشخص و کاربردی می‌تواند راهنمای مناسبی برای قانون‌گذار جهت رفع مغایرتها و اصلاح قوانین ایران برای الحاق به سازمان جهانی تجارت و الگویی قابل استفاده برای گروه مذاکره‌کننده ایرانی در بخش خدمات بورس باشد؛ به علاوه، دست اندرکاران خدمات بورس کشور را نیز با

⁶⁹ http://www.wto.org/english/thewto_e/countries_e/ukraine_e.htm; last visited: 020/05/2010

فضای قانونی ایران بعد از الحاق آشنا می‌سازد تا از هم اکنون تمهیدات اقتصادی مناسب را برای افزایش قدرت رقابتی بخش داخلی در مواجهه با رقبای قدرتمند خارجی اتخاذ نمایند. برای نیل به اهداف مزبور، این گفتار را به این موضوع مهم اختصاص داده‌ایم. اما پیش از ورود به بحث اصلی، ذکر دو نکته در خصوص گستره این گفتار ضروری است: نخست اینکه از میان اصول مختلف گتس، تنها وضعیت مقررات بورس ایران با اصول دسترسی به بازار و رفتار ملی بررسی خواهد شد زیرا در حوزه خدمات به طور کلی و خدمات بورس به طور جزئی، این دو اصل اهمیتی بیشتر از سایر اصول گتس دارند و از این روست که دو ستون از جدول تعهدات به این دو اصل اختصاص یافته است؛ همچنین قابلیت انعطاف اصول مذکور باعث شده است تا در مذاکرات الحاق، این اصول برای طرفهای مذاکره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. بسیاری از مقررات بورس ایران هم اکنون نیز با اصول گتس منطبق هستند برای مثال، مقررات مذکور در «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۴ مغایرتی با گتس ندارند و حتی برخی مقررات مغایر قانون قبلی یعنی «قانون تأسیس بورس اوراق بهادار» مصوب ۱۳۴۵ را نیز مرتفع ساخته است.^{۷۰} لذا در این مقاله برای جلوگیری از اطاله کلام، صرفاً به بیان مقررات مغایر خواهیم پرداخت.

اما مطالب این گفتار را در دو فصل ارائه خواهیم داد: در فصل نخست، مهمترین مقررات بورس ایران که با اصل دسترسی به بازار مغایر هستند و در فصل دوم، مهمترین مقررات مغایر با اصل رفتار ملی تشریح شده و ضمن تبیین علت مغایرت، راهکار روشنی پیشنهاد می‌شود.

فصل اول- مهمترین مقررات مغایر ایران با اصل دسترسی به بازار در حوزه خدمات

بورس

اهم قوانین مغایر ایران در این زمینه عبارتند از:

۱- اصل ۸۱ قانون اساسی

بر اساس این اصل «دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است». چنانکه از اطلاق اصل فوق برمی‌آید دادن امتیاز و اجازه حضور خارجیان در بازار بورس ایران برای فعالیتهای تجاری مرتبط با بورس نظیر خدمات مشاوره و واسطه‌گری و ...، مغایر اصل ۸۱ است و لذا مفاد این اصل کاملاً مغایر اصل

^{۷۰} برای مثال می‌توان بند ۲ ماده ۱۱ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ اشاره کرد. مطابق این بند: صرفاً مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی مورد تأیید بانک مرکزی می‌توانند کارگزار بورس باشند. این بند مقرر می‌داشت که مؤسسات مالی و اعتباری خارجی اجازه حضور و فعالیت در بورس ایران را نداشتند که این مقرر مغایر اصل دسترسی به بازار بود ولی در قانون جدید یعنی قانون ۱۳۸۴، چنین مقرر مغایری دیده نمی‌شود.

دسترسی به بازار و آزادسازی خدمات بورس خواهد بود و در صورت الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت ضرورتاً باید اصلاح شود. البته پس از تصویب قانون اساسی و با توجه به مغایرت اصل مزبور با استانداردهای بین‌المللی و به منظور حفظ مصالح اقتصادی کشور، چند اقدامات حقوقی مهم برای تعدیل اصل مزبور اتخاذ شد که مهمترین آنها به شرح زیر هستند:

الف) اصل ۸۱ قانون اساسی، در سال ۱۳۶۰ از سوی شورای نگهبان تفسیر شد و مطابق نظر این شورا «شرکتهای خارجی که با دستگاههای دولتی ایران، قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت خود در حدود قرارداد منعقد و طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکتهای به ثبت شعب خود در ایران مبادرت ورزند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد»^{۷۱}. با لحاظ این تفسیر می‌توان گفت در صورتی که قراردادی میان یک کشور و دولت ایران در زمینه ارائه خدمات بورس منعقد شود، شرکتهای و مؤسسات فعال آن کشور در حوزه خدمات بورس، قادر خواهند بود تا در حدود مفاد قرارداد و طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکتهای، به ثبت شعب خود در ایران مبادرت ورزند.

ب) مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۶، قانونی به نام «قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی» را تصویب کرد و در آن، امکان ثبت شعبه‌هایی از شرکتهای خارجی از جمله شعب مؤسسات خارجی فعال در زمینه بورس را تحت شرایطی خاص داد. مطابق این قانون که به صورت ماده واحده است: «شرکتهای خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع، می‌توانند در زمینه‌هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود در چارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند.»

با توجه به اقدامات فوق ممکن است این پرسش پیش آید که آیا باز هم برای الحاق به سازمان جهانی تجارت، نیازمند تغییر اصل ۸۱ قانون اساسی هستیم یا اقدامات حقوقی صورت گرفته، برای ابقای اصل مزبور کافی به نظر می‌رسد؟ به نظر می‌رسد که پاسخ مثبت باشد چرا که اولاً: هم گستره تفسیر شورای نگهبان و هم قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی، محدود بوده و در همه جا راهگشا نیست زیرا ایران با بسیاری از کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، قرارداد خاصی با شرط رفتار متقابل امضا نکرده و به همین جهت، امکان حضور و رقابت اشخاص خارجی ارائه‌دهنده خدمات بورس در ایران بر اساس این تفسیر وجود ندارد؛ ثانیاً: کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت در بررسی رژیم تجاری ایران، کلیه مقررات ایران را بررسی می‌کنند لذا با مشاهده اصل ۸۱ قانون اساسی و قرار دادن آن در کنار قانون ۱۳۷۶ این ایراد را خواهند گرفت که تعارضاتی در این زمینه در نظام حقوقی ایران وجود دارد؛ همچنین با توجه

^{۷۱} حسین مهرپور، مجموعه نظریات شورای نگهبان، جلد سوم، دوره اول، از تیر ۱۳۵۹ تا تیر ۱۳۶۵، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱، صص ۴۱-۴۳.

به ثبات بیشتر قانون اساسی در مقایسه با قوانین عادی، چه بسا این خطر برای بخش خصوصی خارجی وجود داشته باشد که با نسخ شدن قانون ۱۳۷۶، باز هم مفاد اصل ۸۱ قانون اساسی به طور کامل حاکم گردد. از این رو اصلاح مفاد اصل مزبور برای رفع این مانع حقوقی الحاق پیشنهاد می‌گردد. ممکن است گفته شود که چون اصل دسترسی به بازار، جزو اصول قابل انعطاف است لذا این احتمال وجود دارد که گروه مذاکره‌ای ما بتواند اصل ۸۱ قانون اساسی را به عنوان استثنای اصل دسترسی به بازار در جدول تعهدات خاص ایران وارد کند. با این حال تحقق این احتمال تقریباً غیرممکن است زیرا اصل ۸۱ به طور کامل امکان فعالیت خارجیان در بخش خدماتی را منع کرده و بقای این اصل با این شرایط مورد پذیرش طرفهای تجاری ایران قرار نخواهد گرفت؛ تجربه کشورهای ملحق شده نظیر چین، ویتنام و اوکراین نیز نشان می‌دهد که طرفهای تجاری ذینفع حاضر نمی‌شوند از حضور در بازار کشور متقاضی الحاق به طور کامل و در تمامی شیوه‌های عرضه خدمات بورس منصرف شوند.

۲- آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۵ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

در مورد سرمایه‌گذاری اشخاص خارجی در بورس اوراق بهادار

این آیین‌نامه که در سال ۱۳۸۴ به تصویب هیأت وزیران رسیده است حاوی دو دسته محدودیت در زمینه ورود سرمایه‌گذاران خارجی در بازار بورس ایران است: دسته اول، محدودیتهای متعارف که خلاف اصل دسترسی به بازار محسوب نمی‌شود زیرا گتس به اعضا اجازه داده است تا متناسب با نیازهای بازار و اوضاع و احوال اقتصادی، یک سلسله محدودیت متعارف را که خللی به رقابت وارد نمی‌سازد در مورد خارجیان فعال در بورس اعمال کنند. از جمله محدودیتهای متعارفی که آیین‌نامه مزبور در زمینه دسترسی به بازار مقرر داشته است، ماده ۲ است که اشعار می‌دارد: «فعالیت سرمایه‌گذار خارجی در بورس منوط به دریافت مجوز از سازمان سرمایه‌گذاری است.» این محدودیت را از آن رو متعارف می‌دانیم که در بسیاری از کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، حضور فعالیتهای خارجیان در بازار بورس اوراق بهادار، تابع یک سلسله تشریفات معمول است.

۳- ضوابط استفاده از خدمات مشاوران عرضه اوراق بهادار مصوب سازمان بورس و اوراق

بهادار

مطابق ماده ۱ این متن در تعریف مشاور عرضه اوراق بهادار، وی را شخص حقوقی معرفی می‌کند که دارای مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار بوده و درخصوص انتشار و عرضه اوراق بهادار مشاوره ارائه می‌نماید. محدودیت مقرر در این ماده تا آنجا که مربوط به لزوم کسب مجوز از سازمان بورس است، محدودیت متعارف بوده و مغایرتی با اصل دسترسی به بازار ندارد اما در آنجا که صلاحیت ارائه خدمات مشاوره بورس را محدود به اشخاص حقوقی کرده و اشخاص حقیقی را از ارائه این خدمات منع کرده است با اصل مزبور در تعارض است و باید مورد اصلاح

قرار گیرد با اینحال گروه مذاکراتی ایران می‌تواند این محدودیت را به عنوان استثنای اصل دسترسی به بازار وارد جدول تعهدات کشور کند هم چنان که کشور اوکراین توانست این استثنا را به نفع خود به دست آورد.

فصل دوم- مهمترین مقررات مغایر ایران با اصل رفتار ملی در حوزه خدمات بورس:

اهم این مقررات عبارتند از:

۱- آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۵ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در مورد سرمایه‌گذاری اشخاص خارجی در بورس اوراق بهادار

این آیین‌نامه، حاوی چندین ماده مغایر با اصل رفتار ملی است که عبارتند از:

الف) ماده ۷ آیین‌نامه و تبصره ۲ این ماده: مطابق ماده ۷: «سرمایه‌گذار خارجی باید یکی از بانکهای داخلی کشور را برای انجام عملیات بانکی خود انتخاب کند.» همچنین طبق تبصره ۲: «کلیه دریافتها و پرداختهای سرمایه‌گذار خارجی منحصرأ از طریق حسابهای افتتاح شده در بانک موضوع این ماده انجام خواهد شد و مبالغ حاصل از فروش اوراق بهادار معامله شده طبق مقررات این آیین‌نامه و نیز سود متعلق به اوراق بهادار مزبور به این حسابها واریز می‌شود» بر این اساس، اگر سرمایه‌گذار خارجی بخواهد در بازار بورس اوراق بهادار ایران وارد شده و فعالیت کند، مکلف است برای انجام عملیات بانکی خود، یکی از بانکهای کشور را انتخاب کند؛ امری که با اصل رفتار ملی مغایرت دارد زیرا وضع خارجیان را در مقایسه با رقبای ایرانی، در حالتی نامطلوبتر قرار خواهد داد. بی‌تردید این ماده و تبصره باید در زمان الحاق به سازمان جهانی تجارت حذف شوند چرا که مغایر اصل رفتار ملی به شمار می‌آیند مگر آنکه گروه مذاکراتی بتواند در زمان الحاق، این دو مقرر را به عنوان استثنای اصل رفتار ملی حفظ کند؛ امری که احتمال وقوع آن با توجه به تجربه چند کشور تازه ملحق شده، بعید به نظر می‌رسد.

ب) ماده ۹ آیین‌نامه: طبق این ماده: «حداکثر تعداد سهام قابل خرید در هر شرکت پذیرفته‌شده در بورس توسط کل سرمایه‌گذاران خارجی که ... در شرکت مزبور سرمایه‌گذاری می‌کنند، نباید از ده درصد تعداد کل سهام آن شرکت بیشتر باشد.» محدودیت مقداری مقرر در این ماده، در خصوص سرمایه‌گذاران داخلی در بورس وجود ندارد بنابراین ماده ۹، وضعیت سرمایه‌گذاران خارجی فعال در بورس را در وضعی نامطلوبتر از سرمایه‌گذاران داخلی قرار داده و این ماده مغایر اصل رفتار ملی است با اینحال گروه مذاکراتی ایران می‌تواند در فرایند مذاکره، این محدودیت را به عنوان استثنا بر اصل رفتار ملی، در جدول تعهدات ایران بگنجانند هرچند با توجه به اینکه محدودیت مذکور، برای سرمایه‌گذاران خارجی طرف مذاکره بسیار قابل توجه است شاید گروه مذاکراتی ایران ناگزیر شود مقدار ده درصد تعداد کل سهم را افزایش دهد.

ج) مواد ۱۰ و ۱۱ آیین‌نامه: بر اساس این ماده: «حداکثر سرمایه‌گذاری خارجی در اوراق

مشارکت (موضوع بند ج ماده ۴ این آیین‌نامه) در هیچ‌زمان نباید از ۱۰٪ کل وجوه آورده سرمایه‌گذار خارجی بیشتر باشد. سرمایه‌گذاری خارجی در سایر اوراق بهادار (موضوع بند ب ماده ۴ این آیین‌نامه)، تابع محدودیت مشابه با سرمایه‌گذاری در سهام (موضوع ماده ۹ این آیین‌نامه) می‌باشد. همچنین ماده ۱۱ این‌نامه در مقام بیان ضمانت اجرای نقض این محدودیت مقرر می‌دارد: «در صورت تجاوز حجم معاملات سرمایه‌گذار خارجی از نسبتهای مقرر در این آیین‌نامه، سرمایه‌گذار خارجی موظف است مازاد اوراق بهادار نسبت به سقف تعیین شده را ظرف یک هفته کاری به فروش برساند. سازمان موظف است در پایان هر هفته، درصد سرمایه‌گذاری خارجی در هر شرکت را به بازار اعلام کند.»

این دو ماده نیز همانند ماده ۹ با اصل رفتار ملی مغایرت آشکار دارند زیرا محدودیت مقرر برای سرمایه‌گذاران خارجی در اوراق مشارکت موجود در بازار بورس اوراق بهادار و تکلیف به فروش مازاد اوراق بهادار، برای اتباع ایرانی وجود ندارد و در نتیجه در زمان الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت باید مورد بازنگری قرار گیرد مگر آنکه گروه مذاکره‌ای بتواند طرفهای مذاکره را به باقی مانده این مواد اقناع کند.

۲- دستورالعمل اجرایی سبد گردانی^{۷۲} مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۱۷ هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار^{۷۳}:

مطابق ماده ۹ این دستورالعمل: «در صورت فراهم‌بودن امکانات بانکهای کشور، برای هر سبد اختصاصی یا مشترک، حساب بانکی جداگانه‌ای نزد یکی از بانکهای کشور افتتاح خواهد شد که هرگونه پرداخت یا دریافت وجوه مربوط به سبد از طریق آن صورت خواهد گرفت. در غیراینصورت افتتاح حداقل یک حساب بانکی برای سبدهای اختصاصی و حداقل یک حساب بانکی دیگر برای سبدهای مشترک تحت مدیریت هر کارگزاری بدین منظور الزامی است.» این ماده از آن رو با اصل رفتار ملی مغایر است که برای افتتاح حساب سبدگردانان بورس اوراق بهادار، اولویت را به بانکهای ایرانی داده است و تنها پس از فراهم نبودن امکانات بانکهای ایرانی، امکان افتتاح حساب برای سایر بانکها میسر می‌شود؛ امری که با هدف افزایش رقابت بازار ناسازگار بوده و باید تا قبل از الحاق به سازمان جهانی تجارت، این ماده مورد بازنگری قرار گیرد. ممکن است گفته شود که گروه مذاکره‌ای ایران می‌تواند این ماده را به عنوان استثنای اصل رفتار

^{۷۲} طبق ماده ۱ آیین‌نامه ارائه خدمات مشاوره و سبدگردانی اوراق بهادار، منظور از سبد گردانی: «... خرید و فروش اوراق بهادار پذیرفته شده در «بورس» برای «سرمایه‌گذار» معین است که به نمایندگی از طرف وی، در قالب قراردادی مشخص و به منظور کسب انتفاع سرمایه‌گذار، صورت می‌گیرد.»

^{۷۳} سازمان بورس و اوراق بهادار را به اختصار «سبا» می‌گویند همچنان که در برخی مقررات نظیر ماده ۱ و تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۳ «دستورالعمل صدور مجوز تأسیس و فعالیت کارگزاری در بورس»، از این اصطلاح استفاده شده است.

ملی در جدول تعهدات ما بگنجانند اما با توجه به تجربه کشورهای منتخب و تمایل بسیاری از بانکهای خارجی جهت حضور در بازار ایران و فعالیت قابل توجه و گسترده در این بازار، احتمال پذیرش این استثنا بعید به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱- سازمان جهانی تجارت به منظور افزایش رقابت میان خدمات بورس اوراق بهادار که جنبه بین‌المللی دارند، قواعد الزام‌آوری را در موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گتس) مقرر داشته است و آنها را بر اعضا تحمیل داشته است. با اینحال میزان الزام‌آوری این قواعد و اصول با یکدیگر متفاوت است به گونه‌ای که برخی از این اصول مثل اصل دولت کامله‌الوداد و اصل شفافیت جزو اصول غیرقابل انعطاف محسوب می‌شوند یعنی کشورها در زمان الحاق نمی‌توانند بر این اصول استثنایی وارد کنند اما دسته دوم اصول، اصول انعطاف پذیرند و کشورها قادرند در خصوص وارد ساختن استثنائات و محدودیتهایی بر آنها با سایر طرفهای تجاری، مذاکره کنند. اصل دسترسی به بازار و رفتار ملی دو اصل انعطاف‌پذیرند.

کشور ایران نیز به عنوان عضو ناظر سازمان جهانی تجارت، مکلف است قوانین و مقررات مغایر خود را در زمینه خدمات بورس شناسایی کرده و برای رفع مغایرت، تلاش کند. همچنین گروه مذاکره‌کننده ایران باید از هم‌اکنون با بررسیهای علمی نقاط انعطاف‌پذیر مقررات را شناسایی کند تا در زمان مذاکرات الحاق بتواند استثنائات لازم را به نفع کشور تحصیل نماید خصوصاً آنکه تجربه چند کشور تازه ملحق شده به سازمان جهانی تجارت به خوبی نشان می‌دهد که گرفتن امتیاز از دیگر اعضا به ویژه کشورهای توسعه یافته و دارای نفع در بازار مالی کشور، دشوارتر از قبل شده است.

۲- هرچند بسیاری از مقررات کشور در زمینه خدمات بورس با اصول گتس همخوانی دارد با اینحال برخی مقررات مانند اصل ۸۱ قانون اساسی و موادی از آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۵ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در مورد سرمایه‌گذاری اشخاص خارجی در بورس اوراق بهادار یا ضوابط استفاده از خدمات مشاوران عرضه اوراق بهادار مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار، با اصل دسترسی به بازار یا اصل رفتار ملی تعارض دارد و یا باید بازنگری و اصلاح شوند یا اینکه گروه مذاکره‌کننده ایران بتواند آنها را به عنوان استثنا وارد جدول تعهدات کند هرچند با عنایت به تجربه کشورهای منتخب، احتمال گرفتن این استثنائات ضعیف است.

۳- با عنایت به رفع بسیاری از محدودیتهای دسترسی خارجیان به بازار خدمات مالی ایران و احتمال حضور رقبای قدرتمند خارجی که با کیفیت بالاتر و قیمتی نازل‌تر به ارائه خدمات بورس در بازار کشور می‌پردازند و با توجه به تکلیف کشور به رعایت رفتار مساوی با ارائه‌دهندگان ایرانی و خارجی خدمات بورس و ضرورت پرهیز از اعطای امتیاز تبعیض آمیز به ارائه‌دهندگان

داخلی خدمات بورس پس از الحاق کشور به سازمان جهانی تجارت، سازمانهای مسؤول بخصوص سازمان بورس و اوراق بهادار ایران باید علاوه بر انجام همکاریهای لازم جهت اصلاح یا لغو آیین‌نامه‌های مغایر، با بسترسازی مناسب، زمینه ارتقاء سطح کیفی خدمات بورس کشور و ورود سرمایه‌گذاران و عرضه‌کنندگان خدمات خارجی در این بخش را فراهم سازد. همچنین ارائه‌دهندگان خدمات بورس در کشور به منظور افزایش قدرت رقابتی و کاستن خطر حذف از عرصه رقابت باید از هم اکنون، پیش‌بینی‌های لازم جهت بقاء در این فضای رقابتی را اتخاذ نمایند.

۴- با توجه به تجربه کشورهای منتخب و مورد مطالعه در این مقاله، به گروه مذاکره‌کنندگان ایرانی پیشنهاد می‌شود که در فرایند مذاکرات الحاق استثنائات زیر را به نفع ایران به دست آورند: یک) ارائه خدمات مشاوره در زمینه بورس، منحصر به اشخاص حقوقی دارای مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار شود؛

دو) در شیوه سوم عرضه خدمات راجع به اوراق بهادار قابل نقل و انتقال، خدمات مشارکت در نشر اوراق بهادار، خدمات مدیریت دارایی مانند مدیریت داراییهای نقدی یا مدیریت اوراق بهادار، خدمات مربوط به تسویه و تهاتر داراییهای مالی و نیز خدمات تجاری به حساب خود و مشتریان از سوی عرضه‌کنندگان خارجی خدمات بورس، شرکت‌های خارجی عرضه‌کننده تنها زمانی می‌توانند در ایران مستقر شده و فعالیت کنند که در قالب سرمایه‌گذاری مشترک (JV) با طرف ایرانی بوده و سهم خارجی از ۴۹ درصد فراتر نرود اما پس از ۵ سال از تاریخ الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، طرف خارجی می‌تواند تا ۱۰۰ درصد سهام را تملک کند. سه) عرضه‌کنندگان خارجی خدمات بورس برای فعالیت خود حق تملک اراضی زراعی و نیز املاک را ندارند.

چهار) عرضه‌کنندگان ایرانی خدمات بورس که در قالب شخص حقیقی به عرضه خدمات می‌پردازند از یارانه دولت برخوردار خواهند بود. پنج) عرضه‌کنندگان خارجی خدمات بورس در شیوه چهارم تنها تا سه سال مجاز به اقامت در ایران هستند.

فهرست منابع و مآخذ

- امیدبخش، اسفندیار، از موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت تا سازمان جهانی تجارت، مندرج در مجموعه آموزشی سازمان جهانی تجارت، (تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵).
- خدابخش عباس، خرید و فروش سهام، (تهران: انتشارات چالش، ۱۳۸۴)؛ نوو ریموندی، مدیریت مالی، ترجمه علی جهانخانی و علی پارسائیان، جلد دوم، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰).
- راستی محمد، تأثیر رشد خدمات مالی بر آزادسازی تجاری، طرح تحقیقاتی انجام شده در گروه مطالعات و پژوهشهای سازمان جهانی تجارت، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۸.
- سازمان جهانی تجارت، شناخت سازمان جهانی تجارت، ترجمه محمد جواد ایروانی، (تهران: مؤسسه مطالعات و

پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۳).

سعیدی پرویز، «بورس و اهمیت ابزارهای مالی»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۹۲، سال نوزدهم، اردیبهشت ۱۳۸۷.
صادقی محسن و غفاری فارسانی بهنام، آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت (سازمان جهانی تجارت) بر حمل و نقل جاده ای، طرح تحقیقاتی انجام شده در گروه مطالعات و پژوهشهای حقوق اقتصادی و بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۶
کمالی اردکانی مسعود و نصیری میترا، موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، مندرج در: مجموعه آموزشی سازمان جهانی تجارت، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵.
مرکز تجارت بین‌المللی آنکتاد و سازمان جهانی تجارت، تجارت خدمات در سازمان جهانی تجارت، ترجمه مسعود کمالی اردکانی و میترا نصیری، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۳.
مهرپور حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان، جلد سوم، دوره اول، از تیز ماه ۵۹ تا تیر ماه ۶۵، (تهران: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱).

هاشم زاده، اکبر، مزایای پیوستن شرکتهای دولتی به بورس اوراق بهادار، مرداد ۱۳۸۶، مندرج در سایت:

http://www.hesabiran.com/news/show_detail.asp?id=2431 (1389/02/13)

Calcina Howson, Nicholas, "China and WTO Liberalization of the Securities Industry: Le Choc des mondes or L'Empire immobile?", In: Asia Policy, number 3, January 2007, pp.151-185, Available at:

<http://asiapolicy.nbr.org>; last visited: 03/05/2010.

Wendy Dobson, Jacquet Pierre and Financial Services Liberalization in the WTO, (Peterson Institute, 1998).

Footer Mary E., "Global and Regional Approaches to the Regulation of Trade in Services", The International and Comparative Law Quarterly, Vol. 43, No. 3, Jul. 1994.

Houtt, The Law of International Trade, (London: Sweet & Maxwell, 2002).

Key Sydney, "Trade Liberalization and Prudential Regulation: The International Framework for Financial Services", Int'l Affairs, vol. 75. 1999.

Mashayekhi Mina, Services and Development WTO Accession Workshop for Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran, 4-8 March 2006.

Mashayekhi Mina, Services, Development and WTO Accession: Strategic Considerations WTO, Accession Workshop for Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran, 4-8 March 2006.

UNCTAD and WTO Secretary, Business Guide to the General Agreement on Trade in Services, Revised Edition, ITC, (Geneva: ITC/CS, 2002).

Zerbe Jr, Richard O., Introduction to Benefit-Cost Volume, (Daniel J. Evans School of Public Affairs at the University of Washington: 2007).

WTO, An Introduction to the General Agreement on Trade in Services (GATS), (WTO Secretariat, 1999).

http://www.wto.org/english/thewto_e/countries_e/china_e.htm; last visited: 03/05/2010

http://www.wto.org/english/thewto_e/countries_e/ukraine_e.htm; last visited: 02/05/2010.

http://www.wto.org/english/thewto_e/countries_e/vietnam_e.htm; last visited: 03/05/2010.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

JOURNAL OF

LEGAL RESEARCH

VOL. IX, No. 1

2010-1

Articles

Claim Description in the Law and Judicial Practice • Fundamental Principles of UNCITRAL Electronic Communications Convention • Social Security Components in Criminal Laws • Recognition in International Law: Legal Effects of Recognition of Kosovo, South Ossetia and Abkhazia • Principles of Conflict of Evidences • The Effects of the International Criminal Law in the Middle-East; from the Saddam's Trial to the Hariri's Accused Prosecution

Special Issue: The Stock Exchange (Some Considerations on the Law of Iran and other Countries)

Fundamentals of Obligation for Providing Information to Stock Exchange • Comparative Study of Prohibitions of Insider in Securities Dealing in E.U., English, French and Iranian Laws • Some Considerations on the Offense of Insider Trading • Combating the Securities Fraud in the Stock Exchange (The Case of the U.S.) • Some Considerations on Judgments about the Insider Trading in the Stock Exchange • The Stock Broker Liability and the Process of Bringing the Case before the Proper Forum • The Liability of Brokers for the Unauthorized Transaction of Securities in the Approach of Arbitration Board • Sukuk's Rule in Financing the Projects and its Rules and Regulations • Arbitration of Disputes in Commercial Paper Market • The Nature and the Jurisdictions of the Board of Arbitration of the Stock Exchange • The Rules Governing the Formation of Public Joint-Stock Companies in light of the Securities Market Act • Legal Consequences of Iran's Accession to WTO on Securities Service • Cross-Border Stock Exchange Mergers: an Illusion or a Reality?

Critique and Presentation

Some Considerations on the "ICJ's Kosovo Advisory Opinion" • Considerations on the Concept of the 'Aggression' in the Review Conference of the Statute of International Criminal Court • Some Critics on the Modern Law of Compulsory Insurance of the Owners of Vehicles 2008 • The Non-Traditional Trademarks • Resolution 1929 of the Security Council: The Challenges of the Power and the Right in a Divided World • The 6th Round of the Moot Court Simulation of the International Criminal Court's Session (2010 Summer and Autumn)

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study